



## مقدمه‌ای بر نقد

نسبتِ جامعه‌شناسی و روشنگری را کمتر کسی می‌تواند انکار کند. دستاوردِ کانونی دوره روشنگری «نقد» (critique) است و دامنهٔ این نقد چنان می‌گسترد که دامانِ خودِ «عقل» را نیز می‌گیرد. از این زاویه، مهمترین دستاوردِ علمِ جامعه‌شناسی را (که فرزندِ خلفِ روشنگری‌ست) می‌توان «بازاندیشی» (reflexivity) شمرد (عنوانِ فرعیِ کتاب «به‌عبارتِ دیگر» بوردیو و واکان را به‌یاد آورید: Essays Towards a Reflexive Sociology). بازاندیشی به زبانِ خیلی ساده یعنی «نقد و تجدیدنظرِ پیوسته در مبانی و پیش‌فرض‌ها و بدیهیات». غالباً هر نقدی مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی صورت می‌گیرد؛ اما خودِ آن پیش‌فرض‌ها را که نقد می‌کند و به پرسش می‌کشد؟

علمی که reflexive باشد همزمان جذاب است و آشفته‌ساز! آشفته می‌سازد چون مبنايِ ثابتی ندارد، هر فرض و مبنایی همواره به پرسش کشیده می‌شود.. جذاب است چون «ازگونه‌ای دیگر» نگریستن را به ما می‌آموزاند و هر دم مسئله‌ای تازه پیش روی ما می‌نهد.

به‌هرحال، جامعه‌شناسی بی بازاندیشی نمی‌شود و بازاندیشی مستلزم یادآوری و نقد و تجدیدِ نظر است.

امیل دورکیم نیز در پیش‌گفتارِ خود بر «قواعد روش جامعه‌شناختی»، آنجا که به ضرورتِ خروج از معرفتِ مبتنی بر عقل سلیم می‌پردازد، به‌نوعی اهمیّتِ بازاندیشی را برای جامعه‌شناس نشان می‌دهد[چرا که عقل سلیم همان پیش‌فرض‌ها و مبانی بازاندیشی‌نشدهٔ ماست]: «ما از خواننده خواهش داریم این نکته را [همه‌جاپاشی و سرسختی عقل سلیم را] از نظر دور ندارد . ذهنِ او باید همواره بدین نکته واقف باشد: آن شیوه‌های اندیشیدنی که برای او آشنا تر و خوگرفته‌تر می‌نماید در حقیقت نه مناسبِ مطالعه‌ی علمی پدیده‌ها ، که دشمن‌اش است. ازین رو خواننده می‌بایست به‌هوش باشد تا فریبِ درک‌وتفسیرهای اولیهٔ خود از مسائل و پدیده‌ها را نخورد» (The Rules of Sociological Method, Preface)

برای یک جامعه‌شناس بازاندیشی را حدومرزی نیست. می‌تواند، و می‌باید، روزمره‌ترین مسائلِ زندگی را هم در بر بگیرد.

از نگاهِ ما، حیف است که عاملانِ میدانِ رشتهٔ جامعه‌شناسی (شاملِ استادان و دانشجویان و انجمن و هرآنچه با این‌ها در ارتباطِ مستقیم است) «بازاندیشی» را

## دکتر زینب کاوه فیروز

سوابق تحصیلی :

۱۳۹۰-۱۳۸۶، دکتری جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

۱۳۸۵-۱۳۸۳، کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه

تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

۱۳۸۲-۱۳۷۹،کارشناسی پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه

تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

۱۳۹۰ تا کنون ، عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه

خوارزمی و معاون گروه.

سوابق کاری :

۱۳۹۰ تا کنون ، عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه

خوارزمی و معاون گروه.

۱۳۸۳-۱۳۷۹،دستیار تحقیق، دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعات

و تحقیقات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، بخش

تحقیقات جمعیت شناسی.

دروس تدریس شده :

مبانی جمعیت‌شناسی

روش‌های مقدماتی تحلیل جمعیت

کاربرد جمعیت شناسی

جمعیت‌شناسی ایران

جمعیت‌شناسی اقتصادی-اجتماعی

روش تحقیق نظری و عملی

سمینار جمعیت شناسی

کاربرد کامپیوتر در تحلیل های چندمتغیری.

# دیاکرتیک


انجمن علمی \_ دانشجویی جامعه‌شناسی


دانشگاه خوارزمی

سال اول \_ شماره ۱ \_ نیمه‌ی اول اسفند ۹۵

راه های ارتباطی

 kharazmi.sociology@gmail.com

 @kharazmi\_sociology

 kharazmi\_sociology



سرلوحه‌ی کارِ خود قرار ندهند. متأسفانه، این روزها گسستی میانِ دو طبقهٔ غالب عرصه‌ی جامعه‌شناسی پررنگ است: استادان و دانشجویان. تو گویی این‌ها یک کلیتِ به‌هم‌پیوسته نیستند و هستی‌شان در تعامل با یکدیگر تعریف نمی‌شود! استادانِ اطلاع درستی از نظرِ دانشجویان ندارند و دانشجویان نیز (گاه از هراس نمره و گاه بنا به ملاحظاتِ متعددِ دیگر) دیدگاهشان را با استادان در میان نمی‌گذارند. در نهایت انتقادها یا تعریف‌وتمجیدها به جمع‌های خصوصیِ دانشجویی منحصر می‌ماند و در غیابِ یک طرفِ اصلیِ ماجرا حالتِ «عقده‌گشایی» یا «هواداریِ متعصبانه» به‌خود می‌گیرد و تشدید می‌شود.

برای رفعِ این گسست، باید نهاد یا رسانه‌ای میانجی واردِ عمل شود. انجمنِ علمی-دانشجویی جامعه‌شناسی یکی از رسالت‌های خود را چنین تعریف کرده است.

در این راستا یکی از اقداماتِ درنظرگرفته‌شدهٔ فراهم‌کردنِ فضایی برای شرح و بیانِ دیدگاهِ دانشجویان درمورد استادان و کلاس‌هاست. بنا داریم بخشِ قابلِ توجهی از هر شمارهٔ نشریه را به این امر اختصاص دهیم.

ناگفته پیداست که تداومِ این حرکت مستلزمِ وجودِ «شهامت» و «حسنِ نیت» از هر دو طرف است.

البته لازم به ذکر است که این برنامه از سوی انجمن علمی-دانشجویی جامعه‌شناسی بطور مستقل انجام می‌گیرد و گروه آموزشی در اجرای آن نقشی ندارد.

بنا بود برای شمارهٔ نخست، نظرِ دوستان را در موردِ دوتن از استادانِ محترم گروه جويا شویم. متأسفانه یکی از استادان از ما خواستند که «عجالتاً» در این شماره به ایشان نپردازیم.

از آنجایی که برای ما ایجاد بستری جهتِ تعامل سازندهٔ در اولویت قرار دارد، علی‌رغم ضیقِ وقت و برهم‌خوردنِ برخی برنامه‌ها و هماهنگی‌ها، نامِ ایشان را از این شماره حذف کردیم. امیدواریم ایشان نیز با همکاری در شماره‌های آینده حسنِ نیتِ خود را به انجمن و به دانشجویان جامعه‌شناسی نشان دهند.

جالب نیست و باعث ایجاد استرس میشود.

«نقد شماره ۴»

پرسی که دکتر کاوه هر جلسه از دانشجویان دارند نکته مثبتی است؛ اما اگر این پرسش از قالب امتحان کلاسی و نمره دادن و تاثیر این نمره در امتحان پایان ترم خارج شود بنظرم بسیار بهتر خواهد بود.

و توقع اینکه دانشجویان مطلب را عیناً همانطور که ایشان توضیح دادند، توضیح بدهند هم بنظرم توقع نابجایی است.

«نقد شماره ۵»

از نکات مثبتی که میتوان در رابطه با دکتر کاوه به آن اشاره کرد اداره کلاس به صورت گفتگو محور و مشارکتی و تسلط کامل ایشان بر نکات درسی است.

«نقد شماره ۶»

از مهمترین ویژگی های کار ایشان این است که در پایان کلاس حتما میزان فعالیت دانشجویان را مورد ارزیابی قرار میدهند و این نکته باعث میشود که کلاس پویایی داشته باشد و در نهایت هم ارزیابی‌شان بر اساس فعالیت دانشجویان در سر کلاس و قدرت تحلیلشان است نه شانس یا مطالعه‌ی شب امتحان.

«نقد شماره ۷»

رفتار ایشان با دانشجویان همواره بر مبنای احترام بوده، اگرچه بعضی از مسائل باعث ایجاد سوتفاهم در دانشجویان می شود،بعنوان مثال ایشان در یک مبحث درسی به علت ساده بودن موضوع برای خودشان انتظار

## انعکاس

«نقد شماره ۱»

روش تدریس مفهومی ایشان به شدت مورد قبول من است چرا که با تفهیم درست درس و نه حفظ سطحی آن، مطلب را برای دانشجو نهادینه می کنند.روش تحلیلی امتحان،اداره ی کلاس و تدریس نیز همینطور. مرور مطالب گفته شده در جلسات پیش و درخواست کار عملی از دانشجویان نیز از نقاط قوت نحوه ی تدریس ایشان است.در مورد نحوه ی برخورد با دانشجو شخصا برخوردی خارج از احترام از ایشان مشاهده نکرده ام و ایرادی در کار ایشان نمیبینم.

«نقد شماره ۲»

ضمن تشکر از زحمات فراوان خانم دکتر کاوه و قدردانی از ایشان برای برگزاری مشارکتی کلاس ها و شرکت دادن دانشجو در بحث ها، اما نکاتی وجود دارد که بنظر می رسد بیان کردن آنها منجر به بهبود روند آموزشی می شود:

۱-انتظارات علمی خارج از توان دانشجویان در حوزه جمعیت شناسی.

۲-عدم تدریس مفاهیم اساسی درس جمعیت شناسی در جلسات اول کلاس ها.

«نقد شماره ۳»

تدریس دکتر کاوه واقعاً قابل فهم و عالی است؛ اما پرسش های کلاسی به روشی که ایشان در پیش گرفتند اصلا

داشتند که دانشجویان به راحتی مبحث مورد نظر را تفسیر و تحلیل کنند. باید در نظر داشت که گاهی این انتظارات به دلایل مختلف با واقعیت همسانی ندارد و مقایسه این چینی یا انتظارات خارج از توان دانشجو،می تواند باعث دلسردی دانشجویان شود.

«نقد شماره ۸»

یکی از نکات مثبت کار ایشان تکرار مطالب درس داده شده است، ایشان در هر جلسه مطالب جلسه‌ی گذشته را با همکاری دانشجویان مرور میکنند همین کار باعث نهادینه شدن مطالب در ذهن میشود.

«نقد شماره ۹»

از نکات مثبت کلاسهای دکتر کاوه میتوان به اداره کلاس به صورت گروهی و دانشجو محور اشاره کرد که بنظر می رسد از نقاط قوت شیوه تدریس ایشان می باشد

اما ایرادات ذیل به کلاس ایشان وارد است:

۱-عدم تمایل ایشان برای تدریس و سپردن کلاس به صورت کامل به دانشجویان.

۲-توقعات بیش از حد از دانشجویان برای تهیه مطالب علمی اعم از پاور پوینت، نمودار، تحقیق و ... .

«نقد شماره ۱۰»

ایشان در حیطه ی آموزش بسیار خوب هستند؛هر چند تحقیقات و کار عملی های سخت دارند ولی با توجه به نوع درس دادن و توضیح سر کلاس، می شود آن را انجام داد و باعث یادگیری بیشتر می شود.